Urban Ecological Research

Open Access

Autumn (2024) 15(3): (Series 36): 145-158

DOI: https://doi.org/10.30473/grup.2024.69279.2802

Received: 19/Sep/2023 Accepted: 19/May/2024

ORIGINAL ARTICLE

Comparative Analysis and Ranking of Quality of Life Indicators based on Social Justice in Neighboring Heterogeneous Urban Areas, Case Study: Golestan and Choneibe Neighbourhoods, Ahvaz

Parviz Soleimani Moghadam[1*], Abdul Nabi Sharifi[2], Sadegh Allahyari[3], Mohammad Bafghizadeh[4]

1. Assistant Professor, Department of Geography, Payam Noor University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Geography, Payam Noor University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Geography, Payam Noor University, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Geography, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence
Vahid Bigdeli Rad
Email: p_soleimanimoghadam@pnu.ac.ir

How to cite
Soleimani Moghadam, P., Nabi Sharifi, A., Allahyari, S., & Bafghizadeh, M. (2024). Comparative Analysis and Ranking of Quality of Life Indicators based on Social Justice in Neighboring Heterogeneous Urban Areas … *Urban Ecological Researc*h, 15(3), 145-158.

ABSTRACT

This research has been conducted with the aim of comparing and ranking quality of life indicators with an emphasis on the concept of social justice in heterogeneous urban neighborhoods in Golestan and Choneibe neighborhoods in Ahvaz city. This article is descriptive and analytical in terms of method and practical in terms of purpose. In order to carry out this research, at first, indicators related to the concepts of quality of life (social, physical, economic, and service) and social justice (educational-cultural, health care, administrative, policing, and leisure time) were extracted and items were defined for each. In the second step, researcher-made questionnaires were designed and 380 samples were distributed among the citizens of the study area based on Cochran's formula and random sampling method, and the results were extracted. The statistical analysis of the data was done using the independent T-test and showed that Golestan neighborhood is significantly higher in all dimensions of quality of life (with a total average of 3.85) than Choneibe neighborhood (with a total average of 2.47). Also, in the examination of various indicators of social justice, Golestan neighborhood with total average of (3.79) is significantly higher than Choneibe neighborhood with total average of (2.39). In addition, the results of Indicators ranking using the SAW model showed that the observed differences are mostly in physical, economic and social dimensions.

KEYWORDS

Quality of Life, Social Justice, Golestan, Choneibe, Saw Model, Ahvaz.

© 2024, by the author (s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.
This is an open access article under the CC BY (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نشریه علمی
پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری

سال پانزدهم، شماره سوم، (پیاپی سی و ششم)، پاییز ۱۴۰۳، (۱۵۸-۱۴۵)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

DOI: https://doi.org/10.30473/grup.2024.69279.2802

«مقاله پژوهشی»

تحلیل تطبیقی و رتبه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی بر پایه عدالت اجتماعی در مناطق همجوار ناهمگون شهری، مورد پژوهش: کوی گلستان و کوی چنیبه اهواز

پرویز سلیمانی مقدم[1*]، عبدالنبی شریفی[2]، صادق الهیاری[3]، محمد بافقی‌زاده

۱. استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه جغرافیا ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه جغرافیا ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۴. استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: پرویز سلیمانی مقدم
رایانامه:
p_soleimanimoghadam@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:
سلیمانی مقدم، پرویز؛ شریفی، عبدالنبی؛ الهیاری، صادق و بافقی‌زاده، محمد (۱۴۰۳). تحلیل تطبیقی و رتبه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی بر پایه عدالت اجتماعی در مناطق همجوار ناهمگون شهری ... . *فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۵(۳)، ۱۵۸-۱۴۵.

چکیده

این پژوهش به‌دنبال تحلیل تطبیقی و رتبهبندی شاخصهای کیفیت زندگی با تأکید بر مفهوم عدالت اجتماعی در محله‌های همجوار ناهمگون شهری در دو محله گلستان و چنیبه در شهر اهواز می‌باشد. این مطالعه ازلحاظ روش، توصیفی و تحلیلی و ازنظر هدف کاربردی است. برای انجام این پژوهش ابتدا شاخص‌های مربوط به مفاهیم کیفیت زندگی (اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و خدماتی) و عدالت اجتماعی (آموزشی–فرهنگی، بهداشتی درمانی، اداری انتظامی و اوقات فراغت) استخراج و برای هرکدام گویه‌هایی تعریف گردید. در گام دوم پرسشنامه‌های محقق‌ساخته طراحی و به تعداد ۳۸۰ نمونه میان شهروندان محدوده مورد مطالعه براساس فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی، توزیع و نتایج استخراج گردید. تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از آزمون T مستقل نشان داد که محله گلستان در تمامی ابعاد کیفیت زندگی شامل (اجتماعی، کالبدی، خدماتی و اقتصادی) با میانگین مجموع (۳/۸۵) از محله چنیبه با میانگین مجموع (۲/۴۶) به‌طور معنادار بالاتر می‌باشد. همچنین در بررسی شاخص‌های مختلف عدالت اجتماعی (آموزشی و فرهنگی، بهداشتی و درمانی، اداری–انتظامی و اوقات فراغت) نیز محله گلستان با میانگین مجموع (۳/۷۹) به‌طور معناداری بالاتر از محله چنیبه با میانگین مجموع (۲/۳۹) است. ضمناً نتایج به‌دست آمده از رتبه‌بندی شاخص‌های مورد استفاده دراین پژوهش با استفاده از مدل SAW نشان داد که اختلافات مشاهده شده، بیش‌تر در ابعاد کالبدی اقتصادی و اجتماعی نمودار است.

واژگان کلیدی

کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، محله گلستان، محله چنیبه، مدلsaw، اهواز.

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. ۱۴۰۳ ©. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است. این مقاله تحت گواهی زیر منتشرشده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.
This is an open access article under the CC BY (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

مقدمه

کیفیت زندگی یکی از موضوعاتی است که در علوم انسانی، اجتماعی و بهداشتی مورد مطالعه قرار گرفته و به‌طور گسترده‌ای استدلال شده است که مفهومی پیچیده و چندبعدی است که تعریف آن دشوار است (Antigoni, 2020). در مفهوم کیفیت زندگی طیف گسترده‌ای از تعابیر همچون دستیابی جوامع مرفه، شرایط محیطی خوب و احساس خوشبختی و رضایت افراد به‌کار گرفته می‌شود (Roz et al, 2007 & Antigoni, 2020).

در چند دهه گذشته، باتوجه به تمایل افراد به مهاجرت به شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها باتوجه به فرصت‌های اقتصادی مناسب در آن‌ها، شاهد رشد چشمگیر جمعیتی دراین شهرها بوده‌ایم که این امر خود منجر به ایجاد چالش‌ها و مسائلی شده است (قلعه‌نویی و همکاران، ۱۴۰۱). از آنجایی که شرایط محیط طبیعی و زندگی، نیازهای افراد یک جامعه و همچنین اهمیت این نیازها به‌طور مداوم درطول زمان درحال تغییر است. بنابراین ارزیابی کیفیت زندگی همچنان در کانون توجه پژوهشگران قرار دارد. بسیاری از مطالعات جنبه فضایی کیفیت زندگی را گزارش کرده‌اند، که زیربنای اهمیت «مکان خوب» به‌عنوان مکانی است که مردم درآن زندگی خوبی دارند (Murgas et al, 2016). براین اساس ارزیابی کیفیت زندگی با ارزیابی مکان مرتبط است. به گفته مورگاش و کلوبوکنیک[1] (Murgas & Klobucnik, 2016). هنگام تلاش برای ارزیابی یک مکان، کیفیت آن را بررسی می‌کنیم که می‌تواند با استفاده از دامنه وسیعی از شاخص‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و همچنین باتوجه به امکاناتی که می‌توان در آنجا یافت با آن اندازه‌گیری شود (Weziak, 2016 & Bougouffa, 2018).

جنبه فضایی کیفیت زندگی، نیز مورد علاقه فزاینده دولت‌ها و مقامات محلی قرار گرفته که با تصمیمات دشوار و پیچیده‌ای در مورد چگونگی تبدیل مناطق و شهرها به مکان‌های بهتر برای زندگی روبه‌رو هستند. بهبود کیفیت زندگی، اغلب در برنامه‌های سیاست‌گذاری تصمیم‌گیرندگان و همچنین مطالعات متعددی برای ارزیابی کیفیت زندگی، توسط دولت‌ها و همچنین کشورهایی اروپایی و جهانی انجام شده است (Eurofound, 2017 & UN-Habitat, 2020).

مؤسسه تحقیقاتی یوروفوند[2] در گزارش کیفیت زندگی کشورهای اروپایی مربوط به سال ۲۰۱۶، «کیفیت زندگی» را یک مفهوم گسترده و دربر گیرنده رفاه فردی، کیفیت خدمات عمومی و کیفیت کلی جامعه و شامل بررسی معیارهای ذهنی و عینی، نگرش‌ها و ترجیحات و اولویت‌ها، منابع و تجربیات مردم می‌داند (Eurofound, 2017). باتوجه به ماهیت چندبعدی کیفیت زندگی، تعدادی از مسائل مفهومی و روش‌شناختی مانند عدالت اجتماعی در یک مطالعه کیفیت زندگی از اهمیت بالایی برخوردار است (Pacione, 2003 & Van Kamp, 2003).

توسعه شهرنشینی و بزرگ شدن شهرها در دهه‌های قبل چنان بوده که منجر به ایجاد بی‌تعادلی در چگونگی استفاده از اراضی شهری شده است. درحالی‌که اغلب این تغییرات بدون برنامه‌ریزی صورت گرفته و متناسب با نیاز جامعه نبوده است (قلعه‌نویی و همکاران، ۱۴۰۱؛ ذاکرحقیقی و عاشورلو، ۱۴۰۰).

توسعه شهرنشینی باعث پیدایش مسائل و معضلاتی همچون کمبود مسکن گسترش حاشیه‌نشینی و فقر شهری، عادلانه نبودن توزیع کاربری‌ها و به‌تبع آن‌ها گسترش نابرابری‌های اجتماعی و ایجاد فاصله‌های طبقاتی شده است (رجبی و خستو، ۱۳۹۸؛ موسوی و همکاران، ۱۴۰۱). اصلی‌ترین عامل بحران‌های جوامع بشری ریشه در نابرابری‌های اجتماعی و عدالت ناکافی دارد. ازجمله عواملی که باید درزمینهٔ عدالت رعایت شود، توزیع مناسب کاربری‌ها و به‌کارگیری درست فضاها در سطح نواحی و محله‌های شهری است (امانپور و حسن‌پور، ۱۳۹۶).

یکی از مشکلات مشهود در برنامه‌ریزی شهری در ایران، ارائه نشدن الگوهای مؤثر در زمینهٔ کاهش نابرابری‌های موجود شهری و ترویج عدالت فضایی است. تبیین مفهوم عدالت فضایی در شهر و کاربردی کردن آن می‌تواند به برنامه‌ریزی شهری کمک شایانی داشته باشد. (افشارنیا و همکاران، ۱۴۰۰).

مطالعات فراوانی در مورد کیفیت زندگی در جهان همچنین ایران باتوجه به انواع شاخص‌ها انجام شده است. اما در مورد شاخص‌های کیفیت زندگی بر پایه عدالت اجتماعی کم‌تر کار شده است. لذا این پژوهش به مطالعه تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی بر پایه عدالت اجتماعی در دو محله گلستان و چنیبه در شهر اهواز پرداخته است، تا با ارائه راهکارهای مناسب به هدف اصلی برنامه‌ریزی شهری که همان تأمین رفاه مردم از طریق ایجاد محیطی بهتر و با کیفیت همراه با توزیع عدالت اجتماعی همراه با بالا بودن کیفیت زندگی دست یابد و برای این مهم دو محله در شهر اهواز را به‌عنوان محدوده تحقیق انتخاب کرده است. زیرا با وجود اینکه شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب (بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت ایران)، شرکت ملی حفاری ایران (بزرگ‌ترین شرکت حفاری کشور)، شرکت فولاد خوزستان از تولیدکنندگان بزرگ فولاد خام کشور و برخی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های مادر کشور در اهواز قرار دارند. همچنین رودخانه کارون پرآب‌ترین رودخانه ایران، با سرچشمه گرفتن از زردکوه، با ورود به اهواز، این شهر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند و میدان نفتی اهواز، بزرگ‌ترین میدان نفتی ایران و سومین میدان بزرگ نفتی جهان، در محدوده این شهر قرار دارد، اما با

1. Morgash & Klobocnik
2. Research Instatute Eurofound

وجود همه این منابع و ظرفیت‌ها، مشکلات کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی کاملاً مشهود است و بعضاً در بین بعضی از محله‌ها تفاوت بسیار زیادی ازنظر کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی مشاهده می‌شود.

هدف اصلی این پژوهش، مطالعه تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی بر پایه عدالت اجتماعی شهری در کوی گلستان و کوی چنیبه در شهر اهواز می‌باشد. در همین راستا سؤال اصلی تحقیق اینگونه مطرح می‌شود که: عدالت اجتماعی در شاخص‌های کیفیت زندگی در کوی گلستان و کوی چنیبه اهواز در چه میزان وجود دارد؟

مبانی نظری

مفهوم کیفیت زندگی یکی از رویکردهای نوین درزمینهٔ اصلاح و تکامل توسعه است که در پرتو نفوذ این مفهوم رویکردی جدید در عرصه برنامه‌ریزی شهری شکل گرفته است که معتقد است برنامه‌ریزی شهری علاوه‌بر توجه به اهداف کالبدی باید به نیازهای کیفی مردم شهر پاسخ گوید. این مفهوم ابتدا به حوزه‌های بهداشتی، زیست‌محیطی و بیماری‌های روانی محدود می‌شد. اما طی دو دهه گذشته به مفهومی چندبعدی گسترش یافته است. مباحث مربوط به کیفیت زندگی از دهه ۱۹۰۴ میلادی وارد مطالعات رشته‌های مختلف ازجمله جغرافیا گردید (Velibeyglu, 2014., & Rajabi et al, 2018, & Beriaji et al, 2018).

کیفیت زندگی مقوله‌ای میان‌رشته‌ای و مفهومی چندبعدی و پویا است که از ابعاد عینی و ذهنی تشکیل شده است که از زمان و مکان جغرافیایی و نظام ارزشی جامعه تأثیر می‌پذیرد و به احساس رضایت فرد از شرایط زندگی اطلاق می‌شود. برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت زندگی با آمار و ارقام عینی و واقعی از زندگی شهروندان و با درک روانی و ذهنی افراد از موقعیت زندگی آن‌ها در ارتباط است (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۲). درواقع استفاده از مفهوم کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری حداقل می‌تواند در دو مرحله از فرایند برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار گیرد. مرحله اول جایی است که برنامه‌ریزان می خواهند چشم‌انداز صحیح و قابل‌اطمینانی از وضعیت موجود شهر داشته باشند. درواقع دراین مرحله برنامه‌ریزان درپی آن هستند، اولویت‌ها و مسائلی را که از اهمیت بیش‌تری برخوردارند، به‌طور ویژه مورد توجه قرار دهند. زیرا بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌تواند راهنمای مناسبی برای آن‌ها دراین مرحله می‌باشد. مرحله دوم جایی است که برنامه‌ها و پروژه‌ها می‌بایست مورد ارزیابی قرار گیرند تا سودمندی و کارایی آن‌ها تأیید شود. دراین مرحله نیز بررسی اثراتی که این برنامه‌ها و پروژه‌ها بر روی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌توانند داشته باشند، راهنمای مناسبی را برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران به‌وجود می‌آورد. درواقع برنامه‌ها و پروژه‌هایی می‌تواند سودمندی و کارایی داشته باشد که درنهایت منجر به بالا بردن کیفیت زندگی شهری شود و به‌خصوص برخی ابعاد آن را که بیش‌تر مورد توجه برنامه‌ریزان شهری است، ارتقاء دهد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲).

مفهوم کیفیت زندگی از سال‌های دهه ۱۹۹۴ با رویکرد فضایی و ناحیه‌ای وارد ادبیات جغرافیایی شد، در ایران نیز آغاز این بررسی‌ها را می‌توان از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی دانست، زیرا در همین زمان است که رشد شتابان شهری در ایران آغاز گردید و به‌موازات آن مشکلات شهری نمایان شد (Faraji & Azimi, 2017).

ساختار فضایی یک شهر متشکل از اجزا و عناصری است که با یکدیگر در کنش متقابل هستند. ناپایداری هرکدام از این اجزا بر کل ساختار تأثیر خواهد گذاشت (مبارکی و عبدلی، ۱۳۹۲). عدالت فضایی یکی از عوامل اصلی برای برنامه‌ریزی پایدار شهری و پایداری اجتماعی است که محققان از منظرهای مختلف به‌طور مکرر آن را بررسی کرده‌اند (Macedo & Haddad, 2016 & Maria, 2018 & You, 2016 & Jian et al, 20201) برای مثال، در مکتب جغرافیای لیبرال می‌توان به کتاب دیوید اسمیت[1] به‌نام «جغرافیای انسانی رهیافت رفاه» اشاره کرد که درآن شاخص‌های شناخت رفاه و تحلیل عدالت اجتماعی بررسی شده است. دیوید هاروی نیز در کتاب «عدالت اجتماعی و شهر» مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیروصلاح همگانی توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به‌کار می‌گیرد (ساسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴).

عدالت اجتماعی یک مفهوم هنجاری است و با این سؤال که چه کسی چه چیزی را در کجا به‌دست می‌آورد یا به‌طور دقیق‌تر، باید به‌دست آورد، سروکار دارد. عدالت اجتماعی را برابری تعهدات مسئولیت‌های مدنی در میان یک جامعه و برابری گستردگی مشکلات درمیان گروه‌های مختلف تعریف کرده‌اند (Talen, 2002,). شاید بتوان رالز را معمار تئوری عدالت اجتماعی نامید. زیرا بعد از انتشار کتاب او به‌نام «نظریه عدالت» در سال ۱۹۷۱، «عدالت اجتماعی» و تئوری رالز موضوع غالب در جهان انگلیسی زبان شد. او از مدافعان دموکراسی لیبرال، اقتصاد بازار و دولت رفاه باز توزیع‌کننده بود. در حقیقت رالز[2]، مفهوم عدالت اجتماعی را از یک‌سو به‌عنوان بخشی از تفکر اجتماعی و ازسوی دیگر به‌عنوان توازنی مناسب میان رقابت در مطالبات موجود در اجتماع، می‌داند. به همین برای عدالت اجتماعی را محاسبه اصول توزیعی خاص، برای نهادهای اصلی تعریف می‌کند. ازنظر رالز جامعه عادل بر تساوی حقوق شهروندان استوار می‌باشد، به‌طوری‌که حقوق مسلم افراد نباید موضوع معامله سیاسی قرار گیرد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۹).

1. David Smith
2. Rawls

هاروی[1] ماهیت عدالت اجتماعی را به‌کمک سه معیار نیاز به‌عنوان مهم‌ترین معیار، منفعت عمومی به‌عنوان دومین معیار و استحقاق به‌عنوان معیار سوم بیان می‌کند. ازنظر ایشان اصول عدالت اجتماعی باید ناظر بر تقسیم ثمرات تولید و توزیع مسئولیت‌ها در فرایند کار جمعی باشد. این اصول شامل نهادها، سازمان‌های اجتماعی مرتبط با تولید و توزیع نیز می‌شود. به‌نظر وی عدالت اجتماعی مشروط به فرایندهای اجتماعی عمل‌کننده در جامعه است (Harvey.1996).

پیشینه پژوهش

طهماسبی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش باعنوان «تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در مناطق شهری (مطالعه موردی مناطق شهر اصفهان)»، در تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌های شاخص توسعه انسانی (HDI)، آزمون آمار فضایی، همبستگی فضایی شاخص موران و میانگین نزدیک‌ترین همسایه و (GIS) در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی ZONAL تحلیل‌های به صورت ترکیبی استفاده کردند. عدم تعادل شاخص‌های عدالت در مناطق شهر اصفهان، به‌وجود آمدن دوگانگی فضایی در فضای هر منطقه از شهر، نابرابری در بین منطقه‌های شهر اصفهان ازجمله نتایج مطالعه آن‌ها است.

قانعی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «سنجش کیفیت زندگی در محله‌های شهری در راستای ارتقاء کیفیت زندگی (مطالعه موردی محله قلعه‌شهر بافق)» به‌این نتیجه رسیدند که کیفیت زندگی در محله قلعه، کم‌تر از حد متوسط است. مؤلفه کالبدی پایین‌ترین سطح و مؤلفه اجتماعی بالاترین سطح را ازلحاظ کیفی دارا است. مؤلفه کالبدی بیش‌ترین تأثیر را در کاهش سطح کیفیت زندگی محله دارد.

ساعدنیا (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر عدالت فضایی در کیفیت زندگی شهروندان شهر همدان»، با استفاده از دو مدل تاپسیس و امتیاز استاندارد شده نشان داد که ناحیه یک منطقه سه به‌عنوان ناحیه برخوردار ازنظر توزیع عدالت فضایی می‌باشد و نتایج نشان می‌دهد که عدالت فضایی در افزایش میزان رضایت از کیفیت زندگی تأثیر دارد.

سلیمان‌نژاد باری (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیل رابطه عدالت فضایی با کیفیت زندگی در شهر ارومیه» به‌این نتیجه رسید که مطلوب‌ترین وضعیت کیفیت زندگی مربوط به منطقه ۴ است و مناطق ۱ و ۵ در رتبه‌های بعدی مطلوبیت قرار دارند و در نهایت مناطق ۳ و ۲ ازلحاظ کیفیت زندگی در پایین‌ترین وضعیت ممکن قرار دارند.

فنی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «سنجش کیفیت زندگی شهری با تأکید بر جنسیت، مطالعه موردی: شهر قروه»، به‌این نتیجه رسیدند که کیفیت زندگی ساکنان شهر قروه در سطح مطلوبی نیست و میانگین تمامی شاخص در مجموع کم‌تر از ۳ می‌باشد. بیش‌ترین میانگین مربوط به شاخص همسایگی و کم‌ترین میانگین مربوط به شاخص اقتصادی است. هم‌چنین نتایج به‌دست آمده گویای آن است که میانگین‌های کیفیت زندگی زنان و مردان در شهر قروه تفاوت معناداری با هم داشته به گونه‌های که کیفیت زندگی مردان بهتر از زنان است. در نهایت پاسخ به سؤال سوم پژوهش نیز نشان داد که اشتغال نتوانسته است کیفیت زندگی زنان را ارتقاء دهد.

نظم‌فر و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی در ساختار فضایی درون‌شهری مطالعه موردی: شهر مراغه» به‌این نتیجه رسیدند که با درنظر گرفتن شاخص‌های پژوهش (آموزشی، فرهنگی، ورزشی، مذهبی، جاذبه‌های فرهنگی، بهداشتی، درمانی، تأسیسات شهری، حمل‌ونقل، اداری، انتظامی و فضای سبز) و محاسبه سرانه آن‌ها، با استفاده از مدل‌های تاپسیس، ویکور و الکتر در چهار سطح؛ کاملاً برخوردار، برخوردار، نیمه‌برخوردار و محروم، ازلحاظ میزان برخورداری از خدمات عمومی شهری مورد سطح‌بندی قرار گرفتند و در پایان از مدل تلفیقی کاندرست، برای دست‌یافتن به یک سطح‌بندی واحد استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که نواحی ۵ و ۲ کاملاً برخوردار، نواحی ۳ و ۶ برخوردار، ناحیه ۱ نیمه‌برخوردار و نواحی ۴ و ۷ محروم هستند.

خادمی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی کیفیت زندگی شهری مطالعه موردی بافت فرسوده شهر آمل»، نشان دادند که بافت فرسودهٔ شهر ازلحاظ شاخص کیفیت زندگی در زیر سطح متوسط قرار دارد و دراین میان شهروندان از وضعیت اقتصادی نسبت به سایر مؤلفه‌های ابراز نارضایتی بیش‌تری نموده‌اند. در میان محله‌ها نیز محله پایین بازار درزمینهٔ سلامت اجتماعی، محله نیاکی درزمینهٔ کالبدی و محله چاکسر درزمینهٔ اقتصادی وضعیت نامساعدتری نسبت به سایر محله‌های این بافت نشان داده‌اند.

آکین پلو و همکاران[2] (۲۰۰۹)، در پژوهشی تحت عنوان «اضافه وزن و کیفیت زندگی شهری: مطالعه موردی شهر مرکزی نیجریه» بیان کردند که کیفیت زندگی سکنه شهری مرکزی نیجریه با افزایش سن و وزن کاهش پیدا می‌کند.

بالستروس و همکاران[3] (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر خدمات‌رسانی عمومی غیرمتمرکز بر کیفیت زندگی در اسپانیا» به‌این

1. Harvey

2. Akinpelu et al

۳. Ballesteros

نتیجه رسیدند که پراکنده بودن خدمات عمومی توسط شهرداری‌ها باعث ارتقای کیفیت زندگی می‌شود.

آنتیگونی فکا (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی نابرابری‌های کیفیت زندگی یک رویکرد جغرافیایی» نشان داد که در سه جامعه از بیست‌ونه جامعه مورد پژوهش، شرایط مسکن و دسترسی بهتر به‌خدمات و زیرساخت‌های عموم را دارا هستند و همچنین محیط طبیعی با کیفیت‌تری را دارند و درحالی‌که جامعه کوهستانی و دورافتاده کم‌ترین سطح را دارا هستند.

تئودور و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهش خود با عنوان «هنوز خواهان تغییر، هنوز برای عدالت کار می‌کنم: مقدمه‌ای بر ویژه‌نامه آموزش عدالت اجتماعی در روان‌شناسی خدمات سلامت» با بررسی پژوهش‌های مرتبط با کیفیت زندگی و تأثیر آن بر سلامت روان نشان دادند که آموزش در کار عدالت اجتماعی یک نیاز حیاتی است و نشان می‌دهد برای بهبود کیفیت زندگی، باید عدالت اجتماعی رعایت شود و این باعث بالا رفتن HSP (highly sensitive person) درمیان شهروندان می‌شود.

در مطالعات فوق به‌وضوح مشخص است که پژوهشگران یاد شده مفهوم کیفیت زندگی را با مفهوم عدالت اجتماعی گره زده‌اند. به عبارت دیگر این دو مفهوم ترجمان عملی یکدیگر در بررسی‌های یاد شده بوده‌اند.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر ازلحاظ هدف کاربردی و ازنظر روش توصیفی و تحلیلی، از نوع تطبیقی می‌باشد که به صورت میدانی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش دو محله مجاور گلستان و چنبیه در منطقه ۴ شهر اهواز با جمعیت ۱۶۵۴۷۱ نفر و مساحت ۲۵۲۷/۰۹ هکتار است (سالنامه آماری شهر اهواز، ۱۴۰۱: ۳۳). تعداد نمونه آماری براساس روش نمونه‌گیری کوکران ۳۸۰ نفر می‌باشد.

در این پژوهش در دو بخش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی به جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز اقدام شد. مطالعات کتابخانه برای گردآوری اطلاعات و منابع لازم درزمینهٔ مبانی نظری و ادبیات تحقیق به روش فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای، مجلات و مقالات داخلی و خارجی انجام گردید و برای جمع‌آوری داده‌های میدانی موردنیاز این پژوهش و به‌منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از ابزار پرسشنامه محقق ساخته شامل دو بخش کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی به شرح جدول زیر استفاده شد:

جدول ۱. مفاهیم، شاخص‌ها و گویه‌های پژوهش

مفاهیم	شاخص‌ها	گویه‌ها
کیفیت زندگی	اجتماعی	امنیت اجتماعی؛ میزان نزاع و درگیری در محله؛ تمایل به ارتباط با همسایگان؛ احساس تعلق‌خاطر؛ سرمایه‌های اجتماعی؛ رضایت از عملکرد مسئولان و مدیران؛ امید به پیشرفت بهبود زندگی؛ وضعیت مصرف مواد مخدر؛ فضاهای پیاده؛ فضاهای باز و سبز عمومی؛ فضای قابل سکونت؛ شرکت در مراسمات محله؛ تمایل به مشارکت در امور شهر
	کالبدی	تعداد طبقات؛ عمر بنا؛ نوع مصالح ساخت؛ وضعیت کیفی مسکن؛ سیما بصری در محله؛ دسترسی به مراکز آموزشی، بهداشتی؛ درمانی؛ دسترسی به مراکز خرید
	اقتصادی	وجود فرصت‌های شغلی متنوع و متعدد در محله؛ فاصله تا محل کار؛ رضایت شغلی؛ رضایت از سطح درآمد خانوارها؛ نوع مالکیت مسکن؛ متوسط قیمت زمین؛ عدم اتکا به یارانه‌های نقدی
	خدماتی	وضعیت تسهیلات زیر بنایی؛ محل تهیه نیازهای روزانه ساکنین؛ امکانات و تسهیلات شهری؛ دسترسی به–پارکینگ؛ سیستم حمل‌ونقل عمومی؛ گورستان؛ تأسیسات شهری؛ حمل‌ونقل
عدالت اجتماعی	آموزشی و فرهنگی	امکانات ورزشی، اماکن مذهبی، جاذبه‌های فرهنگی، ظرفیت‌های فرهنگی، امکانات آموزشی
	بهداشتی و درمانی	بیمارستان–اورژانس–درمانگاه–داروخانه–مصرف هفتگی مواد پروتئینی –کیفیت آب آشامیدنی
	اداری انتظامی	انتظامی، اداری
	اوقات فراغت	دسترسی به فضاهای سبز و پارک–دسترسی به امکانات ورزشی مناسب–توان انجام مسافرت سالانه–وجود امکانات فرهنگی مانند کتابخانه –دسترسی به اینترنت–فضای سبز

به‌منظور طبقه‌بندی نمرات خام، طراحی جدول، توزیع فراوانی و محاسبه شاخص‌های پراکندگی نظیر میانگین و تجزیه و تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از آمار توصیفی و همچنین به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون تی مستقل استفاده شد.

در این پژوهش تجزیه و تحلیل‌ها در سطح خطای ۰/۰۵ و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS23 انجام شده است. همچنین برای تعیین رتبه نهایی میزان اثرگذاری شاخص‌های اصلی از روش وزن‌دهی ساده یا مجموع ساده وزنی (SAW)، استفاده شده است. این روش ساده‌ترین روش تصمیم‌گیری چند معیاره است که در سال ۱۹۸۱ توسط هدانگ و یون ارائه شده است (عطایی، ۱۳۸۹). روش SAW را می‌توان ساده‌ترین و مستقیم‌ترین روش مواجهه با مسائل تصمیم‌گیری چندمعیاره درنظر گرفت. زیرا دراین روش از

یک تابع افزایش خطی برای نمایش ترجیحا تصمیم‌گیرندگان استفاده می‌شود.

محدوده مورد مطالعه

شهر اهواز به‌عنوان مرکز استان خوزستان یکی از کلان‌شهرهای ایران است که در بخش مرکزی شهرستان اهواز قرار دارد. این کلان‌شهر با جمعیت ۱۲۷۸۷۴۲ نفر (محدوده مصوب) و ۱۳۲۴۳۱۲ نفر (محدوده خدمات شهری) و مساحت ۱۸۸۰۶/۴۴ هکتار (با احتساب رودخانه کارون ۱۹۴۹۴/۰۱ هکتار) یکی از ده کلان‌شهر پرجمعیت ایران به‌شمار می‌آید (سالنامه آماری شهر اهواز، ۱۴۰۱: ۱۱ و ۳۲). همچنین اهواز، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر جنوب غربی کشور است.

شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب (بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت ایران)، شرکت ملی حفاری ایران (بزرگ‌ترین شرکت حفاری کشور)، شرکت فولاد خوزستان از تولیدکنندگان بزرگ فولاد خام کشور و برخی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های مادر کشور در اهواز قرار دارند. رودخانه کارون پرآب‌ترین رودخانه ایران، با سرچشمه گرفتن از زردکوه، با ورود به اهواز، این شهر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند. میدان نفتی اهواز، بزرگ‌ترین میدان نفتی ایران و سومین میدان بزرگ نفتی جهان، در محدوده این شهر قرار دارد. شهر اهواز دارای ۸ منطقه شهری با ۱۲۴ محله است. دراین پژوهش دو محله مجاور گلستان و چنیبه در منطقه ۴ شهر اهواز مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است (شهرداری اهواز، ۱۳۹۶).

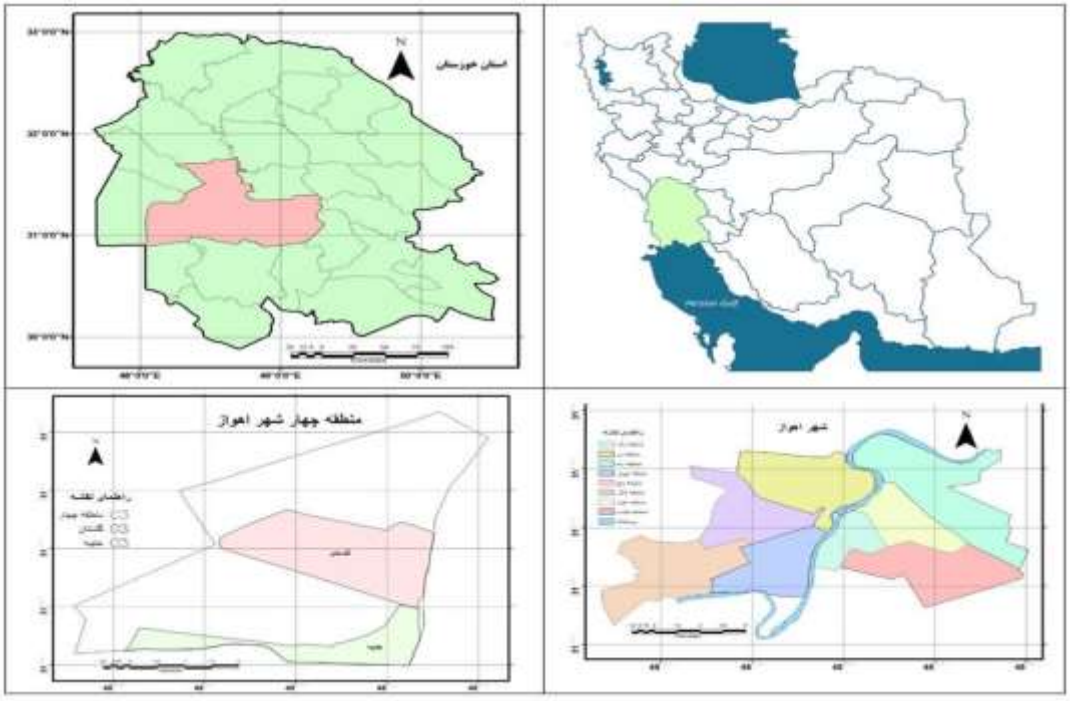

شکل ۱. نقشه استان خوزستان، شهر اهواز

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌های توصیفی، درصد جنسیت پاسخگویان در چنیبه (۸۷/۹) درصد مرد و (۱۲/۱) درصد زن و در گلستان (۸۸/۹) درصد مرد و (۱۱/۱) درصد زن می‌باشند. بیش‌ترین پاسخگویان در چنیبه درگروه سنی ۴۱-۶۰ سال با (۳۹,۵) و در گلستان هم در گروه سنی ۴۱-۶۰ سال با (۵۸/۴) است. بیش‌ترین درصد تحصیلات پاسخگویان در محله چنیبه زیردیپلم با (۵۵/۸) و در گلستان فوق‌دیپلم با (۵۷/۹) است. درصد اشتغال پاسخگویان محله چنیبه عبارت است از: کارمند (۴۸/۴)، بیکار و بازنشسته (۳۰/۵)، آزاد (۱۴/۲)، دانشجو (۶/۸) و در کوی گلستان به‌ترتیب کارمند (۵۰)، آزاد (۱۹/۵)، دانشجو (۱۶/۳)، بیکار و بازنشسته (۱۴/۲) می‌باشد. درصد مدت‌زمان اسکان پاسخگویان در دو محله نشان می‌دهد: در محله چنیبه به‌ترتیب بیش‌تر از ۱۰ سال (۸۵/۸)، ۲-۱۰ سال (۸/۴) و کم‌تر از ۲ سال (۵/۸) و در کوی گلستان به‌ترتیب (۸۴/۸)، (۸/۹) و (۶/۳) می‌باشد. درصد مالکیت پاسخگویان در محله چنیبه ۹۰ و در کوی گلستان ۸۱/۱ درصد است.

یافته‌های استنباطی

با استناد به خطی بودن نمودار احتمال و انحراف کم مشاهدات در متغیرهای پژوهش و همچنین باتوجه به نتایج جدول (۲ و ۳) که میزان کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در بازه عددی ۲+ تا ۲- قرار گرفته است، فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها تأیید می‌گردد و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش آماری پارامتری (تی مستقل) استفاده شد.

جدول ۲. توصیف کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش کیفیت زندگی

چولگی		کجی		تعداد	متغیرهای پژوهش
خطای استاندارد	آماره	خطای استاندارد	آماره	آماره	
۰/۱۲۵	-۰/۱۷۲	۰/۲۵۰	-۱/۰۲۵	۱۹۰	اجتماعی
۰/۱۲۵	-۲۳۰/۰	۰/۲۵۰	-۱/۳۰۳	۱۹۰	کالبدی
۰/۱۲۵	۰/۰۴۳	۰/۲۵۰	-۱/۱۴۰	۱۹۰	اقتصادی
۰/۱۲۵	۰/۰۱۳	۰/۲۵۰	-۱۵۸/۱	۱۹۰	خدماتی

جدول ۳. توصیف کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش عدالت اجتماعی

چولگی		کجی		تعداد	متغیرهای پژوهش
خطای استاندارد	آماره	خطای استاندارد	آماره	آماره	
۰/۱۲۵	۰/۳۲۴	۰/۲۵۰	-۱/۰۳۶	۱۹۰	آموزشی و فرهنگی
۰/۱۲۵	۰/۱۱۸	۰/۲۵۰	-۱/۰۶۸	۱۹۰	بهداشتی و درمانی
۰/۱۲۵	-۰/۱۳۸	۰/۲۵۰	-۱/۰۸۲	۱۹۰	اداری و انتظامی
۰/۱۲۵	-۰/۱۶۸	۰/۲۵۰	-۱/۲۷۷	۱۹۰	اوقات فراغت

تحلیل تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی در دو محله

دراین مرحله نتایج آماری تحلیل تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی با استفاده از آزمون تی مستقل به تفکیک شاخص‌ها و محله‌های مورد مطالعه استخراج و نتایج در جدول‌های ۴ الی ۱۱، مشاهده می‌شود.

سنجش شاخص کیفیت زندگی

با استناد به جدول‌های ۴ و ۵، نتیجه آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار میان دو منطقه مورد مطالعه وجود دارد. میانگین شاخص اجتماعی در کوی گلستان (۳/۸۸۹۹) بالاتر از میانگین شاخص اجتماعی در چنیبه (۲/۹۰۲۸) می‌باشد.

جدول ۴. شاخص اجتماعی در محله چنیبه و کوی گلستان

آماره	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
چنیبه	۱۹۰	۲/۹۰۲۸	۰/۴۹۶۳۴	۰/۰۳۶۰۱
کوی گلستان	۱۹۰	۳/۸۸۹۹	۰/۳۴۶۹۴	۰/۰۲۵۱۷

جدول ۵. مقایسه میانگین شاخص اجتماعی در محله چنیبه و کوی گلستان

	آزمون لوین		آزمون T				
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین اختلاف	تفاوت خطای استاندارد
فرض واریانس برابر	۲۸/۲۹۹	۰/۰۰۰	-۲۲/۴۶۷	۳۷۸	/۰۰۰	-/۹۸۷۰۴	۰/۰۰۴۳۹۳
فرض واریانس نابرابر	-	-	-۲۲/۴۶۷	۳۳۸/۰۹۴	/۰۰۰	-/۹۸۷۰۴	/۰۴۳۹۳

با توجه به اطلاعات جدول‌های ۶ و ۷، نتیجه آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار میان دو منطقه مورد مطالعه مشاهده وجود دارد. میانگین شاخص کالبدی در کوی گلستان (۳/۹۸۴۲) بالاتر از میانگین شاخص کالبدی در کوی چنیبه (۲/۳۰۰۰) است.

جدول ۶. شاخص کالبدی در محله چنیبه و کوی گلستان

آماره	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
چنیبه	۱۹۰	۲/۳۰۰۰	۰/۰۸۸۴۶۱	/۰۶۴۱۸
کوی گلستان	۱۹۰	۳/۹۸۴۲	۰/۰۵۶۵۹۹	۰/۰۰۴۱۰۶

جدول ۷. مقایسه میانگین شاخص کالبدی در محله چنیبه و کوی گلستان

	آزمون لوین		آزمون T				
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین اختلاف	تفاوت خطای استاندارد
فرض واریانس برابر	۳۲/۵۳۶	۰/۰۰۰	-۲۲/۱۰۶	۳۷۸	۰/۰۰۰	-۱/۶۸۴۲۱	۰/۰۷۶۱۹
فرض واریانس نابرابر	-	-	-۲۲/۱۰۶	۳۲۱/۵۳۰	۰/۰۰۰	-۱/۶۸۴۲۱	۰۷۶۱۹

با توجه به نتایج جدول‌های ۸ و ۹، نتیجه آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار میان دو منطقه مورد مطالعه وجود دارد. میانگین شاخص اقتصادی در کوی گلستان (۳/۸۶۷۷) بالاتر از میانگین شاخص اقتصادی در چنیبه (۲/۲۰۴۵) است.

جدول ۸. شاخص اقتصادی در محله چنیبه و کوی گلستان

آماره	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
چنیبه	۱۹۰	۲/۲۰۴۵	۰/۵۸۴۷۵	۰/۴۲۴۲
کوی گلستان	۱۹۰	۳/۸۶۷۷	۰/۶۵۵۱۵	۰/۰۴۷۵۳

جدول ۹. مقایسه میانگین شاخص اقتصادی در محله چنیبه و کوی گلستان

	آزمون لوین		آزمون T				
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین اختلاف	تفاوت خطای استاندارد
فرض واریانس برابر	۱/۲۳۷	/۰۲۶۷	-۲۶/۱۰۶	۳۷۸	/۰۰۰	-۱/۶۶۳۱۶	/۰۶۳۷۱
فرض واریانس نابرابر	--	-	-۲۶/۱۰۶	۳۷۳/۲۱۸	/۰۰۰	-۱/۶۶۳۱۶	/۰۶۳۷۱

با استناد به جدول‌های ۱۰ و ۱۱، نتیجه آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار میان دو منطقه مورد مطالعه وجود دارد. میانگین شاخص خدماتی در کوی گلستان (۳/۶۶۱۴) بالاتر از میانگین شاخص خدماتی در کوی چنیبه (۲/۴۴۹۱) می‌باشد.

جدول ۱۰. شاخص خدماتی در محله چنیبه و کوی گلستان

آماره	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
چنیبه	۱۹۰	۲/۴۴۹۱	۰/۶۲۴۹۸	۰/۰۴۵۳۴
کوی گلستان	۱۹۰	۳/۶۶۱۴	۰/۶۵۳۷۳	۰/۰۴۷۴۳

جدول ۱۱. مقایسه میانگین شاخص خدماتی در محله چنیبه و کوی گلستان

	آزمون لوین		آزمون T				
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین اختلاف	تفاوت خطای استاندارد
فرض واریانس برابر	۲۲/۶۹۹	/۰۰۰	-۱۵/۰۵۹	۳۷۸	/۰۰۰	-۱/۱۳۰۵۳	/۰۷۵۰۸
فرض واریانس نابرابر	-	-	-۱۵/۰۵۹	۳۵۷/۲۹۷	/۰۰۰	-۱/۱۳۰۵۳	/۰۷۵۰۸

سنجش شاخص عدالت اجتماعی

با استناد به نتایج جدول‌های ۱۲ و ۱۳، نتیجه آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار میان دو منطقه مورد مطالعه وجود دارد. میانگین متغیر آموزشی و فرهنگی در کوی گلستان (۳/۶۴۱۱) بالاتر از میانگین متغیر آموزشی و فرهنگی در کوی چنیبه (۲/۵۱۰۵) می‌باشد.

جدول ۱۲. متغیر آموزشی و فرهنگی در محله چنیبه و کوی گلستان

آماره	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
چنیبه	۱۹۰	۲/۵۱۰۵	۰/۶۳۷۶۲	۰/۰۴۶۲۶
کوی گلستان	۱۹۰	۳/۶۴۱۱	۰/۸۱۵۰۷	۰/۰۵۹۱۳

جدول ۱۳. مقایسه میانگین متغیر آموزشی و فرهنگی در محله چنیبه و کوی گلستان

	آزمون لوین		آزمون T				
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین اختلاف	تفاوت خطای استاندارد
فرض واریانس برابر	۲۲/۶۹۹	/۰۰۰	-۱۵/۰۵۹	۳۷۸	/۰۰۰	-۱/۱۳۰۵۳	/۰۷۵۰۸
فرض واریانس نابرابر	-	-	-۱۵/۰۵۹	۳۵۷/۲۹۷	/۰۰۰	-۱/۱۳۰۵۳	/۰۷۵۰۸

با استناد به نتایج جدول‌های ۱۴ و ۱۵، نتیجه آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار میان دو منطقه مورد مطالعه وجود دارد. میانگین متغیر بهداشتی و درمانی در کوی گلستان (۳/۷۱۳۲) بالاتر از میانگین متغیر بهداشتی و درمانی در کوی چنیبه (۲/۱۶۱۴) است.

جدول ۱۴. متغیر بهداشتی و درمانی در محله چنیبه و کوی گلستان

آماره	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
چنیبه	۱۹۰	۲/۱۶۱۴	۰/۶۰۰۵۴	/۰۴۳۵۷
کوی گلستان	۱۹۰	۳/۷۱۳۲	۰/۶۹۸۵۶	/۰۵۰۶۸

جدول ۱۵. مقایسه میانگین متغیر بهداشتی و درمانی در محله چنیبه و کوی گلستان

	آزمون لوین		آزمون T				
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین اختلاف	تفاوت خطای استاندارد
فرض واریانس برابر	۳/۱۱۴	/۰۷۸	-۲۳/۲۱۹	۳۷۸	/۰۰۰	-۱/۵۵۱۷۵	۰/۰۶۶۸۳
فرض واریانس نابرابر			-۲۳/۲۱۹	۳۶۹/۶۷۶	/۰۰۰	-۱/۵۵۱۷۵	۰/۰۶۶۸۳

طبق نتایج جدول‌های ۱۶ و ۱۷، نتیجه آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار میان دو منطقه مورد مطالعه مشاهده می‌گردد. میانگین شاخص اداری-انتظامی در کوی گلستان (۳/۹۵۵۳) بالاتر از شاخص اداری-انتظامی در کوی چنیبه (۲/۱۹۲۱) می‌باشد.

جدول ۱۶. متغیر اداری-انتظامی در محله چنیبه و کوی گلستان

آماره	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
چنیبه	۱۹۰	۲/۱۹۲۱	/۹۴۲۰۷	/۰۶۸۳۵
کوی گلستان	۱۹۰	۳/۹۵۵۳	/۷۲۳۲۷	/۰۵۲۴۷

جدول ۱۷. مقایسه میانگین متغیر اداری-انتظامی در محله چنیبه و کوی گلستان

	آزمون لوین		آزمون T				
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین اختلاف	تفاوت خطای استاندارد
فرض واریانس برابر	۱۲/۳۶۴	/۰۰۰	-۲۰/۴۶۳	۳۷۸	/۰۰۰	-۱/۷۶۳۱۶	/۰۸۶۱۶
فرض واریانس نابرابر	-	-	-۲۰/۴۶۳	۳۵۴/۳۵۵	/۰۰۰	-۱/۷۶۳۱۶	/۰۸۶۱۶

با استناد به نتایج جدول‌های ۱۸ و ۱۹، نتیجه آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار میان دو منطقه مورد مطالعه وجود دارد. میانگین شاخص اوقات فراغت در کوی گلستان (۳/۸۳۵۱) بالاتر از شاخص اوقات فراغت در کوی چنیبه (۲/۲۲۴۱۲) است.

جدول ۱۸. متغیر اوقات فراغت در محله چنیبه و کوی گلستان

آماره	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین
چنیبه	۱۹۰	۲/۲۴۱۲	/۸۲۵۱۸	/۰۵۹۸۶
کوی گلستان	۱۹۰	۳/۸۳۵۱	/۶۲۷۳۷	/۰۴۵۵۱

جدول ۱۹. مقایسه میانگین متغیر اوقات فراغت در محله چنیبه و کوی گلستان

	آزمون لوین		آزمون T				
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین اختلاف	تفاوت خطای استاندارد
فرض واریانس برابر	۱۵/۴۲۱	/۰۰۰	-۲۱/۱۹۴	۳۷۸	/۰۰۰	-۱/۵۹۳۸۶	/۰۷۵۲۰
فرض واریانس نابرابر			-۲۱/۱۹۴	۵۲/۷۷۴	۰۰۰ .	-۱/۵۹۳۸۶	/۰۷۵۲۰

رتبه‌بندی شاخص‌ها

باتوجه به فاصله نزدیک بین مقادیر میانگین شاخص‌های اصلی حاصله از آزمون T، برای رتبه‌بندی میزان تاثیرگذاری هریک از شاخص‌های مورد پژوهش، ازمدل SAW استفاده گردید. روش وزن‌دهی ساده یا مجموع ساده وزنی (SAW)، ساده‌ترین روش تصمیم‌گیری چند متغیره است. زیرا دراین روش از یک تابع افزایش خطی برای نمایش ترجیحات تصمیم‌گیرندگان استفاده می‌شود.

همان‌گونه که نتایج جدول۲۰، در ستون رتبه‌بندی نشان می‌دهد، مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی به‌ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در ایجاد افتراق فضایی و در نتیجه ایجاد نابرابری‌هایی در سطوح مختلف کیفیت زندگی و همچنین عدالت اجتماعی در دو محله مورد مطالعه داشته‌اند. ضمناً با اندکی اغماض شاخص بهداشتی را می‌توان به‌این دسته شاخص‌های تأثیرگذار اضافه کرد.

جدول ۲۰. مدل SAW

مؤلفه ها	اختلاف میانگین	نرمالیت کردن	وزن	وزن نهایی	رتبه
اجتماعی	۰/۹۸۷	۰/۰۸۵۸	۰/۱۹	۰/۰۱۶۳	۳
کالبدی	۱/۶۸۴	۰/۱۴۶۴	۰/۱۵	۰/۰۲۲۰	۱
اقتصادی	۱/۶۶۳	۰/۱۴۴۶	۰/۱۴	۰/۰۲۰۲	۲
خدماتی	۱/۱۳	۰/۰۹۸۳	۰/۱۱	۰/۰۱۰۸	۸
آموزشی	۱/۱۳	۰/۰۹۸۳	۰/۱۲	۰/۰۱۱۸	۶
بهداشتی	۱/۵۵۱	۰/۱۳۴۹	۰/۱۲	۰/۰۱۶۲	۴
اداری	۱/۷۶۳	۰/۱۵۳۳	۰/۰۹	۰/۰۱۳۸	۵
فراغت	۱/۵۹۳	۰/۱۳۸۵	۰/۰۸	۰/۰۱۱۱	۷

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از ارزیابی‌های انجام شده (کمی و کیفی) این پژوهش و مقایسه این نتایج با یافته‌های تحقیقات مشابه مواردی را آشکار می‌سازد.

اختلافات عمیق مشاهده شده در دو بعد کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی بین دو محله همجوار (گلستان و چنیبه) با نتایج مطالعات طهماسبی و همکاران (۱۳۹۷)، قانعی و همکاران (۱۳۹۶)، ساعدنیا (۱۳۹۵)، سلیمان‌نژاد (۱۳۹۴)، نظم‌فر و همکاران (۱۳۹۳) و فنی و همکاران (۱۳۹۴)، همخوانی داشته و این نتایج را تأیید می‌نماید. در مطالعات انجام شده درزمینهٔ مرتبط با کیفیت زندگی و مفهوم عدالت اجتماعی دو دسته شاخص‌های عینی و ذهنی به‌وضوح مورد استفاده قرار گرفت.

شاخص‌های عینی، ارقام و داده‌های آماری موجود درزمینهٔ شرایط واقعی زندگی شهروندان است. درحالی‌که شاخص‌های ذهنی با ادراکات ذهنی، روانی و میزان رضایت شهروندان (رضایت روان‌شناختی) از زندگی شهری ارتباط دارد. اگرچه این دو شاخص گاهی مستقل ازهم عمل می‌کنند، اما سنجش کیفیت زندگی با ترکیب این شاخص‌ها نتایج بهتری ارائه می‌دهد. عوامل مختلفی ازجمله عوامل محیطی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فضایی در افزایش کیفیت زندگی تأثیرگذارند. در کنار این عوامل می‌توان عامل عدالت را نیز درنظر گرفت. امروزه تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر از مهم‌ترین نیازهای جوامع بشری است. عدم توجه به‌این اصل مهم، نابرابری‌های عمیقی در جامعه به‌وجود خواهد آورد. درحالی‌که تحقق آن به رضایت شهروندان از محیط زندگی خود منجر می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان داد که عدم تحقق مفهوم عدالت اجتماعی منجر به نارضایتی شهروندان از وضعیت کیفیت زندگی در مناطق کم‌برخوردار گردیده است. یافته تحقیق با یافته‌های طهماسبی‌زاده و همکاران، (۱۳۹۷)، همراستا هستند. آنها نیز دریافتند که عدم تعادل شاخص‌های عدالت در مناطق شهری اصفهان، به ایجاد دوگانگی فضایی در فضای هر منطقه از شهر و نابرابری دربین منطقه‌های شهری منجر می‌شود. قانعی و همکاران (۱۳۹۶)، نیز به این نتیجه رسیدند که برای افزایش کیفیت زندگی در محله‌های شهری باید مؤلفه کالبدی و مؤلفه اجتماعی ازلحاظ کیفی بالا باشند و می‌بایست به مؤلفه کالبدی

که بیش‌ترین تأثیر را در سطح کیفیت زندگی محله دارد، توجه بیش‌تری داشت که با یافته‌های این پژوهش مشابهت دارد. ساعدنیا (۱۳۹۴) نشان داد که عدالت فضایی در کیفیت زندگی شهروندان شهر همدان تأثیر دارد. سلیمان‌نژاد (۱۳۹۴)، نیز در پژوهش خود در ارتباط با ارزیابی کیفیت زندگی در سطح مناطق شهری ارومیه، به‌غیر یکسان بودن وضعیت کیفیت زندگی در تمام شهر اشاره می‌کند.

نظم‌فر و همکاران (۱۳۹۳)، هم تحقق عدالت اجتماعی در ساختار فضایی درون‌شهری را ازطریق توزیع کلیه شاخص‌های (آموزشی، فرهنگی، ورزشی، مذهبی، جاذبه‌های فرهنگی، بهداشتی، درمانی، تأسیسات شهری، حمل‌ونقل، اداری، انتظامی و فضای سبز) امکان‌پذیر می‌دانند. فنی و همکاران (۱۳۹۴) نیز به شکل بسیار مشابهی با این پژوهش اظهار داشتند که تفاوت در کیفیت زندگی شهری درمیان محله‌های مورد مطالعه نوعی گسستگی فضایی به‌وجود آورده است و همان‌طور که دو محله مورد مطالعه دراین تحقیق هم که دارای همسایگی بوده و هیچ‌گونه حائل فضایی هم جز یک خیابان بین آن‌ها وجود ندارد، دارای اختلاف زیادی در کیفیت زندگی بوده و عدم تحقق مفهوم عدالت اجتماعی مشهود است.

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که عدم توجه به برخی مناطق به‌ویژه در مناطق همجوار نوعی عدم تعادل فضایی تأمل برانگیز را به‌وجود می‌آورد که باتوجه به نزدیکی این مراکز منجر به تشدید نارضایتی ساکنین از وضعیت کیفیت زندگی و مفهوم عدالت اجتماعی می‌شود. باتوجه به تغییرات شتابان در سیمای شهری در نتیجه افزایش جمعیت، پیشروی شهری و تصمیم‌گیری‌های مدیریت شهری، این آرایش‌ها ثابت نیستند. براین اساس مطالعات تکمیلی دیگری در بازه زمانی کوتاه‌مدت (۱۰ سال) پیشنهاد می‌گردد.

راهکارها

با مقایسه نتایج به‌دست آمده از پژوهش راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- باز توزیع خدمات شهری براساس تغییرات جمعیتی؛
- ایجاد مکان‌های بیش‌تر ورزشی –مذهبی –جاذبه‌های فرهنگی–آموزشی–درمانگاه در دو محله به‌خصوص محله چنیبه؛
- ایجاد فضاهای سبز و پارک‌ها در سلسله‌مراتب محله، ناحیه، منطقه، شهری و فراشهری و رعایت استاندارد سرانه آن‌ها؛
- رعایت اصول طراحی در فضاهای سبز و تجهیز این فضاها برای تبدیل به فضاهای عمومی و پویا و زنده برای افزایش تعاملات اجتماعی؛
- استفاده از مبلمان شهری طراحی شده برای افزایش کیفیت زیباشناسانه؛
- احداث فرهنگسرا در محله‌ها برای ارتقاء سطح فرهنگ اهالی و ایجاد سرزندگی.

سپاسگزاری

از تمام همکاران محترمی که در تمامی مراحل انجام این پژوهش همراهی نمودند، سپاسگزاریم.

References

Afsharnia, A., Zebardast, E., & Talachian, M. (2022). Explaining the concept of spatial justice in the implementation of comprehensive urban plans (Case study: Golpayegan city). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, *9*(4), 981-1008. (In Persian) doi: 10.22059/jurbangeo.2021.320480.1478

Akinpelu, A. O., Akinola, O. T., & Gbiri, C. A. (2009). Adiposity and quality of life: a case study from an urban center in Nigeria. *Journal of nutrition education and behavior*, *41*(5), 347–352. https://doi.org/10.1016/j.jneb.2009.01.006

Amanpour, S., & Hasnpour, S. (2017). The Study of the Spatial Distribution of Urban Land Use in Semnan. *Journal of Urban Social Geography*, *4*(1), 1-22. (In Persian) doi: 10.22103/juas.2017.1938

Faka, A. (2020). Assessing Quality of Life Inequalities. A Geographical Approach. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, *9*(10), 600. https://doi.org/10.3390/ijgi9100600

Ballesteros, B., Isabel M., García S., & Prado L (2012). Effects of different modes of local public services delivery on quality of life in Spain. *Journal of Cleaner Production*, 37(3), 68-81. DOI: 10.1016/j.jup.2013.04.005

Baryaji, F., Hataminezhad, H., & Eghbali, N. (2019). Analyzing the Quality of Urban Life and Its spatial differences Case Study: Regions 1 and 19 of the Tehran metropolis. *Geography (Regional Planning)*, 9(34), 457-473. (In Persian) DOI:

20.1001.1.22286462.1398.9.2.29.5
Bougouffa, I., & Permana, A.S. (2018). A study on the linkages between residential satisfaction and the overall quality of life in Bandar Tun Razak Area of Kuala Lumpur City, Malaysia. Applied Research in Quality of Life, *International Society for Quality-of-Life Studies*,13(4), 991-1013. DOI: 10.1007/s11482-017-9570-3
Burnes, T. R., & Christensen, N.P. (2020). Still wanting change, still working for justice: An introduction to the special issue on social justice training in health service psychology. *Training and Education in Professional Psychology*, 14(2), 87–91. https://doi.org/10.1037/tep0000323
Eurofound, (2017). European Quality of Life Survey 2016: Quality of life, quality of public services, and quality of society. *Publications Office of the European Union*, Luxembourg. https://www.eurofound.europa.eu/en/publications/2018/european-quality-life-survey-2016.
Fanni, Z., Heydari, S., & Aghaei, P. (2016). The evaluation of Urban Life quality, with emphasis on gender, Case Study: Ghorveh City. *Journal of Urban Ecology Researches*, *6*(12), 65-78. (In Persian) DOR. 20.1001.1.25383930.1394.6.12.5.6
Faraji, A., & Azimi, A. (2017). Satisfaction measurement of quality of life in informal settlements, Case study:Bojnourd. *Journal of Urban Ecology Researches*, *8*(16), 89-100. (In Persian) DOR. 20.1001.1.25383930.1396.8.16.7.0
Ghalehnoei, M., Shams, M., & Malekhoseini, A. (2022). Studying the Subjective Layers of Urban
Spatial Justice in the Parand New Town. *Journal of Geography, Urban and Regional Studies*,
11(42), 8-22. (In Persian)
Ghalibaf, M.B., Roustaie, M., Ramzanzadeh Lasboyee, M., & Taheri, M.R. (2011). Evaluation of the quality of urban life (case study: Yaftabad neighborhood). *Geography*, 9(31), 33-53. (In Persian) DOR. 20.1001.1.20087845.1401.11.42.1.0
ghanei, M., esmailpoor, N., & saraei, M. H. (2017). Evaluating quality of life in neighborhoods in order to improve quality of life (case study: Ghale neighborhood, Bafgh). , *8*(28), 21-44. (In Persian) DOR. 20.1001.1.22285229.1396.8.28.2.4
Harvey, D. (1996). *Justice.Nature & Geography of difference*. Blakwell publishers, Oxford, UK.
Jian, I. Y., Luo, J. & Chan, E. (2020). Spatial justice in public open space planning: Accessibility and inclusivity. *Habitat International*, 97, 1-10.
Khademi, H. & Jokarsarhangi, I. (2012). Evaluation of the quality of urban life, a case study of the dilapidated fabric of Amol city, *Geography and environmental studies*, 1(4), 100-117.(In Persian)
Lotfi, S., Manouchehri, A, & Ahar, H. (2013). City and Social Justice: Analyzing Neighborhoods Inequality (Case Study: Maragheh). *Geographical Research*, 28(2), 69-92. (In Persian)
Macedo, J. & Haddad, M. A. (2016). Equitable distribution of open space: Using spatial analysis to evaluate urban parks in Curitiba, Brazil. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 43(6), 1096–1117. https://doi.org/10.1177/0265813515603369
Maria, D. & Pitarch, G. (2018). Social sustainability in metropolitan areas: Accessibility and equity in the case of the metropolitan area of Valencia (Spain). *Sustainability*, 10(2), 371. https://doi.org/10.3390/su10020371
Mobaraki, O., & Abdoli, A. (2013). The Hierarchy Analysis of Uremia City Zones Based on Urban Sustainable Development Indexes, *Journal of Applied Researches in Geographical Sciences*, 13(30), 49-65. (In Persian)
Mousavi, M. & Bagheri Kashkooli, A. (2012). Evaluation of the spatial distribution of the quality of life in the neighborhoods of Sardasht city. *Research and Urban Planning*, 3(9), 97-118. (In Persian)
Mousavi, M.N., Omidvarfar, S., Hoseinzadeh, R., Bayramzadeh, N. (2022). Analysis of Spatial Justice in the Distribution of Service Uses in Urban Areas (Case Study: 5 Regions - Urmia), Journal of Geography and Environmental Studies, 11 (43), 162-177. (In Persian)
Dor: 20.1001.1.20087845
Murgaš, F., & Klobučník, M. (2016). Municipalities and regions as good places to live: Index of quality of life in the Czech Republic. *Applied Research in Quality of Life*, 11(2), 553-570.
Murgaš, F., & Klobučník, M. (2016). Does the quality of a place affect well-being? *Ekol. Ekológia* (Bratislava) 35(3), 224-239. DOI:10.1515/eko-2016-0018

Rajabi, M., & Khastoo, M. (2019). Realizability of Good Urban Governance emphasizing the Spatial and Social Equity (Case Study: City of Rasht). *Urban Management*, 18(54), 197-214. (In Persian)

Saednia, F., Hosseini, S.H., & Ghodrati, H. (2016). Analysis of Spatial differences of Quality of Life in Hamedan City. *Arid Regions Geographic Studies*, 7(25), 1-16. (In Persian)

Sasanpoor, F., Mostafavi, S., & Ahmadi, M. (2015). Analysis of Spatial Inequality in Enjoying Urban Services (Case Study: 22 Districts of Sanandaj City). *Journal of Research and Urban Planning*, 6(23), 95-114. (In Persian) DOR. 20.1001.1.22285229.1394.6.23.6.4

Suleimannejad, A (2014). *Analysis of the relationship between spatial justice and quality of life in Urmia city*. Master's thesis in the field of urban planning, Faculty of Urban Architecture and Art, Department of Urban Planning.

Tahmasebizade, F., & khademolhoseiny, A. (2018). Spatial analysis of social justice in urban areas (case study of the city of Isfahan). *Journal of Geography and Environmental Studies*, 7(26), 17-28. (In Persian) DOI:10.1080/19475683.2018.1424732

Talen, E. (2002). Pedestrian access as a measure of urban quality. *Planning Practice and Research*, 17(3), 257-278.

UN-Habitat, (2020). *Measurement of City Prosperity: Methodology and Metadata; United Nations Human Settlements Programme*. 2016. Available online: http://cpi.unhabitat.org/sites/default/files/resources/CPI%20METADATA. 2016.pdf

Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & Hollander, A. (2003). Urban Environmental quality and human well-being-Towards a conceptual framework and demarcation of concepts: A literature study. *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2), 5-18. https://doi.org/10.1016/S0169-2046(02)00232-3

Velibeyoglu, H. (2014). *Assessing subjective quality of urban life at neighborhood scale* [dissertation]. Izmir A Thesis Submitted to the Graduate School of Engineering and Sciences of İzmir Institute of Technology in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Urban Planning.

Weziak-Białowolska, D (2016). Quality of life in cities -Empirical evidence in comparative European perspective. *Cities*, 58, 87-96.

You, H. (2016). Characterizing the inequalities in urban public green space provision in Shenzhen, China. *Habitat International*, 56, 176-180. DOI:10.1016/j.habitatint.2016.05.006

Zakerhaghighi, k., & Ashurloo, M. (2021). Formulation of effective policies on creating a network of urban green spaces with an emphasis on spatial justice (Case study: Twelve districts of Hamadan city*). Journal of urban environment planning and development*, 1(3), 17-30. (In Persian)

Zyari, K.O., Rafiee Mehr, H., & Zareie, J. (2020). Comparative assessment of quality of life from the perspective of social justice Case study: Tehran urban districts 2 and 16 .*Human Geography Research*, 52(1), 1-15. (In Persian)